

بیگنا

شماره مسلسل ۳۳۸

سال بیست و نهم

آبان ماه ۱۳۵۵

شماره هشتم

سید حسن تقی زاده

ملاقات با رئیس الوزراء انگلیس در ۱۹۲۹

در میان اوراقی که از سید حسن تقی زاده به لطف خانم عطیه تقی زاده دیده‌ام سه ورق است به خط تقی زاده که با مداد بر روی کاغذ هایی با عنوان *Délégation Persane á la Societé des Nations* نوشته شده است . این شرح گزارش ملاقاتی است که او و اعضای دیگر هیأت ایرانی در سال ۱۳۰۸ در جامعه ملل سابق در ژنو با ماکدونالد کرده‌اند و نشانی است دیگر از دقت نظر تقی زاده و نظم و ترتیب او در کارهای سیاسی و مأموریتهایی که از آنها مسؤولیت ایجاد می‌شده است و سعی می‌کرده که همیشه رئوس و دقائق مطالب را بنحوی که شایسته است ثبت و ضبط کند تا موجب اختلافی نشود . شاید هم این نوع یادداشتها را تهیه می‌کرده است تا اگر روزی قصد نوشتن خاطرات و سرگذشت می‌کند مواد لازم را در اختیار داشته باشد.

ایرج افشار

روز چهارشنبه ۳ ماه سپتامبر ۱۹۲۹ مسیحی بر حسب قرار به دیدن ماکدونالد

رئیس الوزرای انگلیس رفتیم . پس از ورود و تعارف ، بیان کردیم که علاوه بر اینکه دولت انگلیس همیشه دوست و طرفدار استقلال و قوت ایران بوده حالا که شماها سر کار آمده‌اید ما همه منتظریم که روابط بین دو مملکت دوستانه تر بوده و بیشتر بر اساس عدالت و انصاف و مراعات اصول مساوات بشود . زیرا که ما هیچ شکی در نیات خوب و پاک شما و صمیمیتان نداریم . ولی چیزی که می‌خواهیم نظر شما و همقطاران مسئول شما را مخصوصاً به آن متوجه کنیم این است که این خیالات عالی و مبارک که شما دارید و دیروز با بیان واضح و بلیغ آنها را اظهار نمودید به همه افراد هموطنان شما و مأمورین جزء عمومیت ندارد و بعضی در میان آنها خیالات قدیمی و نظر تحقیر به ملل شرقی و پست دیدن آنها داشته عقاید و اوهام کهنه را هنوز دارا هستند و عمده خواهش ما این است که شما خودتان نظر مخصوصی به کار ایران داشته و با وجود اینکه خیلی مشغول هستید توجه خاصی صرف این امور نموده آنها را بکلی به اجزای جزء و مأمورین محل واگذار نکنید . البته می‌دانید که ایران در این سالهای اخیر مجاهدت عمده‌ای در راه ترقی نموده و انتظامی در امور خود داده است و البته خود متوجه هستید و همیشه این نکته را هم شرح داده‌اید که هر وقت ایران مساعدت خیر خواهانه از خارج ببیند و یا اقلاموانع و اشکالات در راه او احداث نکنند داخل دوره ترقی شده و کار خود را مرتب کرده عنصر و عامل خوبی در صلح و انتظام شرق دنیا می‌تواند بشود .

مستر ما کدونالد اظهار خوشوقتی از ملاقات ما و از تحسین بیانات دیروزی او نموده گفت که ما در دوره انتقالی هستیم و باید متوجه این مطلب باشیم که در چند روزه نمی‌توان همه این اوضاع را تغییر داد . شما اشکالات و زحمات و موانع نامطلوبی از دوره سابق میراث برده‌اید و ما هم همینطور ، و باید این موانع را به تدریج از میان برداشت . اصل مطلب در اعتماد و اطمینان بهمدیگر است و امور بین‌المللی در دنیا بدون این اعتماد پیش نمی‌رود و پاره می‌شود . چنانکه مثلاً وطن -

پرستان هندوستان اینطور بی‌اعتمادی به هر چه از طرف ما می‌آید نشان می‌دهند و با «بایکوت» و غیره جواب می‌دهند. در این صورت من چه می‌توانم بکنم. من دستی به سوی آنها دراز کردم و خواستم دور میزی نشسته صحبت کنیم ولی حسن استقبال نکردند. من هم دیگر چه می‌توانستم بکنم. من خیلی خوشوقتیم که شما به ما اظهار اعتماد می‌کنید و امیدوارم به همین طریق بتوانیم همه اشکالات را حل کنیم. اگر چیزی را شما وقتی تصور می‌کنید ناحق و بر خلاف صحت است البته اظهار بکنید و به واسطه تبادل افکار اشکال رفع می‌شود. اخیراً شنیدم بعضی شکایات داشته‌اید که عمال انگلیس در ایران تفتین می‌کنند و بعد از تحقیق معلوم شد که شایعات اساسی نداشته.

تقی‌زاده گفت اصل مطلب در همین اعتماد است که گفتید و ما به خود شما و رجال مسئول دولت شما اعتماد داریم و شخص شما را و اصول عقایدی را که شما در امور بین‌المللی و عدالت بین‌المللی همیشه ترویج کرده‌اید می‌شناسیم و مخصوصاً من شما را از دوره اول انقلاب ایران و تشکیل «کمیته ایران» * در لندن می‌شناسم و می‌دانم که چقدر از حقوق ایران مدافعه می‌کردید. لکن اصل قصد ما هم همین است که خود شماها قدری بیشتر در مسائل ایران توجه و مراقبت داشته باشید و ما آنوقت یقین داریم که کارها موافق صحت و عدالت انجام می‌گیرد.

ما کدونالد گفت بلی من همان آدم بیست سال قبل هستم و خوب به خاطر دارم واقعه شوستر و کارهایی که در آن وقت می‌کردیم. احساسات من و عقاید خیر خواهانه‌ام نسبت به ایران همان است که بوده. ولی آنوقت فارغتر و آزادتر و

* این کمیته در دوره استبداد صغیر در لندن تشکیل شد و عده‌ای از آزادی‌خواهان انگلیس و دوستان ایران در آن شرکت داشتند مانند پرفسور ادوارد براون. همین کمیته است که در موقع حضور تقی‌زاده و معاضدالسلطنه در لندن وجود داشت و فعالیتهای این دو نفر را تقویت می‌کرد. (۱. ۱. ۱)

خوشبخت تر بودم ، حالا يك سر دارم و هزار سودا و بار سنگینی در دوش دارم . فعلا برای شخص من غیر ممکن است که در مسائل مختلفه و امورات جاریه مراقبت داشته باشم و تنها کاری که می‌کنم اینست که در این گونه امور وقتی که بینم چیزی در یکی از وزارتخانه‌ها به عقیده من کج می‌رود و صحیح نیست نظر خود را اظهار می‌کنم و به وزیر مسئول آن کاری گویم . من گمان می‌کنم در این کار باید تجدید نظری کرد و فعلا در مجرای صحیح نیست . ولی مخصوصاً به وزیر امور خارجه می‌سپارم که هر وقت کاری راجع به ایران باشد عطف نظر نموده و وزیر مختار ایران در لندن می‌تواند او را دیده و مطلب را توضیح و شرح نماید و مخصوصاً ممکن است که وزیر مختار ایران همین جا در ثنوی وقتی وزیر خارجه را دیده و بدون اظهار جزئیات مخصوص و شکایت معینی مسائل عمده ایران و کلیات را به او شرح داده و روشن نماید و یقین دارم او حاضر خواهد بود عطف توجه به این موضوع نماید .

مذاکرات قریب بیست دقیقه به طول انجامید و در موقع حرکت ما ما کدو نالد وزیر خارجه هندرسون را احضار کرده و به او تفصیل را گفت و او هم گفت که من به وزیر مختار ایران هم گفته‌ام که هر وقت مطلبی داشته باشد من حاضرم با او مذاکره کنم .

